

بسم رب المهدی (عج)

دوره آموزش مباحث مهدویت

جلسه صد و هجدهم

تربیت رسانه ای و نسل منتظر

قسمت دوم

استاد نصرالله پور

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

دومين جلسه از بحث تربيت رسانه اى را در محضر شما خواهران

و برادران عزيز و بزرگوار تقديم مى كنيم.

در جلسه قبل مقدماتى و نكاتى در رابطه با اهميت تربيت رسانه

اى و زندگى در دوران عصر رسانه با هم گفتگو كرديم.

در ادامه نکاتی را خدمتتان تقدیم می کنم .

ادامه بحث را با کلام یکی از متخصصان حوزه تربیت عرض می

کنم استاد غفاری در کتاب سه گفتار درباره تربیت رسانه ای ایشان

یک نکته ای دارند می گویند که روزگاری که هنوز فرزندی نداشتم

شش روش تربیتی داشتم و اکنون شش بچه دارم و اکنون هیچ

روش تربیتی ندارم.

خانواده ها سبک های تربیتی متفاوتی دارند ما باید این حقیقت را

به رسمیت بشناسیم و اصل تفاوت های فردی را در بچه ها ببینیم.

اما همه ما باید یک برنامه جامعی را در رابطه با تربیت رسانه ای

فرزندانمان داشته باشیم. نباید به تربیت رسانه ای نگاه کاریکاتوری داشته باشیم نگاه سطحی نگاه دم دستی به رسانه ضعف و بی اطلاعی ما را از تربیت رسانه ای می رساند باید به سبک خودمان این الگوی کاملی که برای تربیت رسانه ای پیدا کردیم و کشف کردیم رعایت کنیم. به شوخی در بعضی خانه ها می گوییم سبیل پدر کار می کند.در بعضی از خانه ها کارت بانکی پدر تاثیرگذار هست و در بعضی از خانه ها هم کمر بند پدر موثر هست به هر حال هر خانه ای ابزار کنترلی و یک قوانینی و قواعد خاص خودش را

برای تربیت بچه ها دارد. پس نسخه واحد برای همه بچه ها نمی
توانیم بپیچیم .

خدای متعال در قرآن می فرماید در سوره تحریم آیه ۶ می فرماید
یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره
ای کسانی که ایمان آوردید خودتان و خانواده خود را از آتشی که
هیزم آن مردم و سنگ ها هستند حفظ بکنید کلمه قوا جمع امر
حاضر از مصدر وقایه هست و وقایه به معنای حفظ کردن چیزی
است از هر خطری که به آن آسیب بزند و برایش ضرر داشته باشد.
علامه طباطبایی اعلی الله مقامه الشریف در تفسیر المیزان اینطور

معنا کرده اند وقایه را براساس این آیه شریفه والدین مسئول سالم سازی فضای مادی و معنوی خانواده اند خب رسانه ها موبایل، تبلت، لپتاپ، تلویزیون و بقیه رسانه ای دیجیتال هم جزوی از این خانواده حساب می شوند و مستثنی نیستند.

دستور خدای متعال هست که خانواده خودمان را از خطر ها و از جمله خطرهای دنیای رسانه ای امروز حفظ بکنیم.

در سیره اهل بیت علیهم السلام حس مسئولیت پذیری والدین به فرزندان به وضوح دیده می شود. در سراسر نامه ۳۱ نهج البلاغه که امیرالمومنین علیه السلام خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام

نوشتند دیده می شود مسئولیت پذیری یا بهتر عرض بکنم حس
مسئولیت پذیری امیرالمومنین علیه السلام در برابر فرزندشان به
وضوح دیده می شود. اگر در مقابل رسانه ها احساس
مسئولیت نکنیم و اگر برای استفاده از رسانه ها و ابزارهای
دیجیتالی برای فرزندانمان برنامه ریزی نداشته باشیم رسانه
ها این زحمت را برای ما می کشند و آنها برای فرزندان ما
برنامه ریزی خواهند کرد. وقتی که ما یخچال، چرخ گوشت، اتو
یا تلویزیون یا این وسیله یک کاتالوگ یا یک دفترچه راهنما
همراهش هست که استفاده درست از آن را در این دفترچه راهنما

به ما یاد داده اند. نوشته شده که چطور می توانیم از این وسیله
بهترین استفاده را بکنیم. و بیشترین بهره وری را داشته باشیم و
چطور این وسیله را از آسیب ها حفظ بکنیم. خب حالا چرا در
کشور ما رسانه ای که تمام ابعاد زندگی ما و فرزندان ما و کشور ما
را احاطه کرده دفترچه راهنما و یک اصول و یک آدابی ندارد که ما
چطور از این رسانه استفاده بکنیم و حتی متاسفانه قوانینی هم که
بخواهد جوانها را و جامعه را و خانواده را از آسیب های رسانه ای
حفظ بکند در کشور ما هنوز وجود ندارد. بخش مهمی از همت ما
در تربیت رسانه ای فرزندانمان بایستی که معطوف به این بشود که

عادت های درست رسانه ای را در فرزندانمان شکل بدهیم و مراقب باشیم آن آسیب ها و صدماتی که رسانه می تواند فرزندان ما را با آن مواجهه کند می توانیم رسانه به فرزندان ما دفع بشود.

اگر بچه های ما خدای ناکرده به رسانه به تبلت به گوشی معتاد بشوند ترک دادن آنها کار آسانی نیست.

یعنی ترکش از مواد مخدر سخت تر هست. اعتیاد به برخی رسانه ها از نظر روانی بسیار خطرناک تر از اعتیاد به بعضی مواد مخدر نگوئید حالا ما کاری به رسانه نداریم هنوز هم دچار مشکل جدی نشدیم خودمون فرزندانمان معتاد نشدیم نه دنیا طوری شده که

رسانه با شما کار داره اگر برای استفاده از رسانه ها برنامه نداشته باشیم آنها خیلی علاقه دارند که به نفع خودشان گردانندگان این رسانه ها بکشانند.

لذا پیشگیری بهتر از درمان هست شما می توانید با یک برنامه ساده با یک برنامه حساب شده با هماهنگی بین پدر و مادر مصرف رسانه را از طرف فرزندان مدیریت بکنید و نگذارید کار به اعتیاد بکشد کار به جاهای باریک بکشد و بعد به کمک مشاور و روان شناس حلش بکنید که به این سادگی ها هم نیست.

روایتی از آقا رسول الله مشهور هست و همه مان بلدیم که علامه
مجلسی رحمه الله علیه در بحار شریف جلد صد و یک صفحه ۹۵
نقل می کند که آقا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند
الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین فرزند
تا هفت سال حاکم هست آزاد هست در هفت سال دوم بنده هست
باید کاملاً تحت تربیت والدین باشد یعنی مسئولیت بپذیرد قانون
پذیر بشود بایدها و نبایدها ، آداب دینی و اعتقادی را یاد بگیرد و
در هفت سال سوم او وزیر است و می شود با او مشورت کرد از یک
یخ فروشی سوال کردند یخ ها را فروختی؟ با تاسف سری تکان داد

گفت نفروختم اما تمام شد گاهی زمان طلایی قانون پذیر کردن و
منضبط کردن و تربیت بچه ها می گذرد و بعد از آن ما باید دنبال
یخ های از دست رفته دوران طلایی هفت ساله دوم بچه هایمان
بدویم.

در تربیت رسانه ای در هفت سال اول خب باید از رسانه ها دور
شان کرد زمان تحذیر و دور کردن از رسانه است هفت سال دوم
دوران طلایی شکل دادن به خمیر شخصیت بچه هاست از طریق
اینکه قوانین و نظمی به آنها یاد بدهیم در استفاده از رسانه بچه ها
مثل گل خام در دست سفالگری به نام والدین هستند. هفت سال

دوم زندگی بچه ها دوران طلایی قانونمند شدن و تربیت پذیر شدن
بچه هاست که البته ظرافت ها و حساسیت های خاص خودش را
دارد.

تا حالا به ویژگی های اسفنج دقت کردید؟ شما یک تکه اسفنج را
بدون استفاده کنار سینک ظرفشویی قرار می دهید به صورت
اتفاقی آن را فشار می دهید و با کمال تعجب می بینید مقدار زیادی
آب به خودش جذب کرده شما اسفنج را خیس نکرده اید اسفنج
خودش آهسته و آرام بدون اینکه شما بخواهید یا تعمدی داشته
باشید کم کم رطوبت را جذب کرده در روان شناسی یک تعبیری

به کار می برند به نام اصل اسفنجی یک تعبیر ظریفی از تاثیرات رفتاری ما پدر و مادرها بر روی فرزندانمان هست بچه ها بیش از آنی که با توصیه ها و حرف های ما تربیت بشوند از رفتارهای ما تاثیر می گیرند و یاد می گیرند یکی از جملات طلایی در زمینه تربیت که باید قاب بگیریم و به دیوار بزنیم این هست که بچه ها آنطوری که ما می خواهیم تربیت نمی شوند بلکه آن طور که ما هستیم تربیت می شوند.

با یک کنایه دقیق تر رسانه ای می توانیم بگوییم امروزه بچه ها

آنطوری که ما هستیم هم تربیت نمی شوند بلکه آن کسی می

شوند که رسانه ها می خواهند.

مادری که صبح تا شب در کانال های تلویزیونی یا خدای ناکرده

ماهواره ها پرسه می زند یا پدری که همه اش سرش توی گوشی

هست نمی تواند مدعی کنترل میزان استفاده فرزندان از رسانه ها

بشود از کوزه همان برون تراود که در اوست.

خدای متعال در سوره صف آیه دو می فرماید لم تقولون ما لا

تفعلون؟

چرا حرفی می زنید که خودتان به آن عمل نمی کنید؟

به قول حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه می گوید:

بزرگی سراسر به گفتار نیست

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

اگر می خواهیم فرزندانمان مصرف رسانه خودشان را تنظیم بکنند

اگر می خواهیم بچه هایمان به قواعد و قانونی که ما مشخص می

کنیم پایبند باشند خودمان نباید قبل از بچه ها در فضای مجازی

و در استفاده از گوشی و رسانه افراط کنیم و استفاده کنیم.

رطب خورده منع رطب نمی کند. تا زمانی که خودمان را تربیت نکنیم فرزندان ما تربیت نمی شوند. باید از خودمان شروع کنیم باید مراقب رفتار و عادت های رسانه ای خودمان باشیم. چون همین هاست که عادت بچه ها و مخصوصا کودکان ما را شکل می دهند. شاخصه مهم کودک تقلید از رفتار پدر و مادر و الگوهای خودش هست بچه ها تفاوتی بین رفتارهای خودشان و رفتارهای شما قائل نمی شوند هر رفتار رسانه ای که از شما سر می زند آنها هم یاد می گیرند مادر یکی از بچه های زیر هفت سال می گفت به خاطر دختر ۶ ساله ام استفاده خودم را از شبکه های اجتماعی بسیار

محدود کردم اما هر وقت حواسش به بازی و سرگرمی بود یواشکی
اینترنتی یک روز غرق در فضای مجازی بودم که یکدفعه مثل اجل
معلق بالای سرم سبز شد و گفت ماما چرا می خندی؟ گفتم چیز
خاصی نبود خب بچه بود.

مناسب سنش نبود بعد یه روز گفت ماما وقتی بزرگ شدم برای
خودم موبایل می خرم مثل شما رمز می گذارم یواشکی میشینم
یه گوشه مثل شما می خندم تازه اگر شما از من پرسیدین چی
بود میگم ماما چیز خاصی نبود. و تازه فهمیدم نا خواسته عادت

های رسانه ای خودم را به او منتقل کردم و شکل دادم در شخصیتش.

می خواهیم برای استفاده از رسانه برنامه ریزی کنیم

یک قواعدی یک قانونی باید وضع کنید تو خونتون درست وضع
بکنید براساس عقل جمعی و آنها را با محبت و آرامش به اجرا
درآوریم به قول آن بنده خدا ملایم اجرا بکنیم. وضع قانون به
صورت یک طرفه در خانه ممنوع است.

قانونی که قرار هست اجرا شود باید با مشورت جمع، با عقل

جمعی با خرد جمعی مشخص شود.

بچه ها اگر در تصمیم گیری و نوشتن قوانین مشارکت داشته باشند

قطعا قانون پذیر تر خواهند بود. این یک نوع شگرد و تکنیک هست

که باید آن را یاد بگیریم. اینطور نباشد که بگوییم پسر از امروز

دیگر همه رسانه ها تعطیل گوشی را می گذاریم کنار و دیگر تبلت

تعطیل نه اگر می خواهیم فعالیتی را تعطیل کنیم اشکال ندارد اما

باید بنشینید سر صحبت را با هم باز کنید گفتگو کنید و قانونی را

که می خواهید اجرا کنید مطرح کنید و با عقل جمعی در خانواده

وضع بکنید.

بهتر هست که بگویید خب پسر من تو اینقدر تکلیف و درس داری و می خواهی ان شاءالله کنکور هم قبول شوی در کانون و مسجد هم فعالیت داری باشگاه ورزشی هم می روی اینقدر هم کل زمانت هست اینقدر ساعت وقت داری به جز زمانی که برای خورد و خوراک و استراحت لازم داری مثلا خالص ۸ ساعت برایت می ماند. بعد با منطق و توافق به نتیجه برسی که مثلا در کنار همه کارها، برنامه ها عبادت درس تفریح چقدر وقت باید صرف فضای مجازی و رسانه شود. با هم به یک جمع بندی برسید. اما وقتی قانون یک طرفه وضع شود آن وقت متاسفانه اقتضائات سنی بچه ها، تفاوت

های فردی ویژگی های هر کدام از بچه ها در نظر گرفته نمی شود.

لذا بچه ها هم عمل نمی کنند قانون وضع می شود روی میز خاک

میخوره و نتیجه ای هم ندارد. عقل جمعی، خرد جمعی یعنی این

قانون پدر و مادر نیست این قانون خانواده ما هست که با هم

وضعش کردیم . خب مراقب باشیم یه طوری نشه که حنای ما رنگ

نداشته باشد.

یکی از اساتید می گفت که برای سخنرانی در جمع والدین در

نمازخانه یک مدرسه رفته بودم یکی از بچه ها جلوی منو گرفت

گفت آقا کجا می روید؟ گفتم قرار هست بریم برای والدین در مورد

مثلا استفاده از رسانه توسط فرزندان صحبت بکنیم بچه محکم زد
به پیشانی اش گفت ای وای که بیچاره شدیم بیخیال بشید این
پدر و مادرها همین طور خلاصه بدون ابر می بارند. همین طوری
هم تو خونه ما حکومت نظامی هست. از فردای این جلسه شما
روزگار ما سیاه می شود دیگر مامان گوشی را از دست ما می گیرد.
و طوری زیر چشمی به ما نگاه ی کند انگار که یک قاتل جانی پیدا
کرده از فردا دیگر سیم های کامپیوتر و موبایل می روند توی کمد
و اینترنت هم تا اطلاع ثانوی قطع می شود.
بچه اوضاعش به هم ریخت.

ببینید قوانین را باید با تدبیر با عقل جمعی بنویسیم و به آهستگی هم اعمال کنیم.

همان شب ملایم تعبیر خوبی بود آنقدر غیر مستقیم باشد که بچه ها متوجه تغییرات نشوند شیطان هم برای اینکه انسان ها را تغییر بدهد و منحرف کند از همین روش گام به گام استفاده می کند این تکنیک شیطان هست در سوره نور آیه ۲۱ خداوند متعال می فرماید ولا تتبعوا خطوات الشیطان از گام های شطان پیروی نکنید. لذا عادت ها چه خوب چه بد یک شبه تغییر نمی کنند اگر احساس می کنید که فرزند شما در استفاده از رسانه و گوشی و ابزار

الکترونیکی و دیجیتالی داره زیاده روی می کند و زیاد در کانال ها و گروه ها و اینترنت پرسه می زند و محدودیت ها را آرام آرام اعمال کنید برای مثلا دو هفته سه هفته یا مثلا تا آخر ماه آینده برنامه بریزید. آرام آرام زمان استفاده رسانه ها از پنج ساعت مثلا به چهار ساعت و بعد به سه ساعت و کم کم به تعادل برسد مثلا روزی یک ساعت استفاده بکند.

شما قانون را وضع می کنید اما چون می خواهید یک شبه اعمال کنید چون قانون شما انعطاف نداره بچه ها این قانون را پس می

زنند و به صورت پینگ پونگی به خودمان بر می گردانند. اینجاست

که دیگر حنای ما پیش بچه ها رنگی ندارد.

در تربیت، شکسته شدن اقتدار پدر و مادر پیش بچه ها از هر چیزی

بدتر هست.

لذا قوانین را به تدریج اعمال کنید و همان طور که اشاره کردم

یکی از عوامل شکست قوانین در تربیت این هست که یک شبه

لازم الاجرا می شوند و یک هفته بعد هم کلا لغو می شوند کاغذ را

هم می اندازند سطل آشغال. نه خانی آمده و نه خانی رفته

تغییر عادت های فرزندان مخصوصا عادت های رسانه ای بویژه در
سنین کودکی و نوجوانی نیاز به گذر زمان دارد و نیاز به مدارای
بچه ها دارد تا بچه ها بتوانند خودشان را با فضای جدید، قانون
جدید تطبیق بدهند. بچه ای که ما رهایش کرده ایم و معتاد به
بازی های کامپیوتری شده قطعا نمی تواند با تصمیم های ضرب
الاجلی ما راه صدساله را یک شبه برود.

با بچه به رسانه وابسته هست اگر ضربتی و چکشی برخورد بشه
افسرده می شود باید پلکانی وارد شویم باید به او زمان بندی بدهیم
مثلا بگوییم تا قبل از امتحانات باید مراحل این بازی را تمام کنی

و بزی بعدی تهیه نشود. گام به گام جلو بروید با سعه صدر با آرامش

و با همان روش تدریجی در واقع.

شاه کلید مدیریت فضای مجازی در خانواده این هست که یک

حساسیت معقولی در بچه ها ایجاد بکنیم تا بتوانند در فضای

مجازی مقاومت داشته باشند. مقاومت منطقی و معقولی داشته

باشند به بچه ها نگوئیم مثلا خیلی بازی کامپیوتری می کنی به

نظرم باید کمترش کنیم این را نمی توانیم به عنوان یک قانون

رسانه ای اعمالش کنیم و بعد هم بخواهید بچه شما بپذیرد.

این قانون به چه درد می خورد؟ کمتر یعنی چقدر؟

خیلی بازی می کنی یعنی چقدر داری بازی می کنی؟ پس باید
یک عدد دقیق و حساب شده ای مشخص شود. باید یک ابزار اندازه
گیری مشخص باشد مثلا می گویی پسر من بررسی کردم هفته
قبل شما به طور متوسط روزی چهار ساعت و نیم بازی کردی باید
این مصرف را به نصف برسانی.

یا مثلا شما روزای تعطیل اجازه داری تا سه ساعت از موبایل و
تلویزیون و تبلت و همه ابزارهای دیجیتالی استفاده کنی اما در
طول هفته حداکثر اجازه داری روزی دو ساعت استفاده کنی. یک
عدد دقیق باید مشخص شود نگوییم حالا مثلا بیخیال رها کن

بگذار سرگرم باشد. متأسفانه بعضی از ماها پدرو مادرها ابتدای کار اجازه استفاده بی حساب و بی حد و حصر را به بچه ها می دهیم بعد خوب که معتاد شد یکدفعه به صورت چکشی می خواهیم میزان مصرف را به حداقل برسانیم.

با این روش نمی توانیم یک قانون درستی را طراحی کنیم. میزان مصرف درستی از رسانه را مشخص کنیم. قانون باید عدد داشته باشد مشخص باشد قابل اندازه گیری باشد. خلاصه باید شاقول ما مشخص باشد الان میزان استفاده چقدر باید بشود یک چیز منطقی

و معقول و توافق شده ای بین والدین و فرزند باشه و شیب ملایم

و تدریج در آن رعایت بشود.

خب ان شاءالله ادامه این بحث را در جلسه بعدی در خدمت شما

خواهیم بود.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته